

Good governance in the political thought of Ayatollah Hashemi Rafsanjani

MohammadReza AliHoseiniAbbasi¹
Khodayar MortazaviAsl²
Ataollah Sinaee³

Received Date: 10 Dec 2020

Reception Date: 3 Mar 2021

Abstract

After World War II, the maximum government took over the affairs of the people by intervening in all the economic affairs of the countries. But since the early 1980s, the economic management of countries has led governments to minimal intervention. After that, with the awakening of the nations of the Third World and the demand for their human rights and the subsequent change in theories of development, governments inevitably turned to good governance. We deal with the issue with the author-centered hermeneutic method, whether Hashemi Rafsanjani during the presidency and then the experts of the leadership and the Expediency Council agreed with these policies and accepted the theory of good governance or not? The study shows that good governance from Hashemi's point of view is based on Islamic-Shiite tradition, and the use of human experience and achievements in the field of good governance, especially through the provision of economic infrastructure, political stability and peace and the institutionalization of the party system, tension. Deportation is achieved in foreign policy and the use of international capacities

Keywords: Hashemi Rafsanjani, Good Governance, Islamic Revolution, Development

¹PhD student, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Assistant Professor, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author)

³Assistant Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran

حکمرانی خوب در نگرش و عملکرد هاشمی رفسنجانی با تمرکز بر نسبت ابعاد اقتصادی و سیاسی توسعهمحمد رضا علی حسینی عباسی^۱

تاریخ دریافت: ۲۰/۰۹/۱۴۰۰

سید خدایار مرتضوی اصل^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳/۱۲/۱۴۰۰

سید عطاالله سینیایی^۳**چکیده**

پس از جنگ جهانی دوم، بدلیل ویرانی‌های ناشی از جنگ، دولت حداکثری با مداخله در همه امور اقتصادی کشورها، زمام امور مردم را بدست گرفت. اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، که مصادف با سال‌های اول انقلاب ایران بود، مدیریت اقتصادی کشورها، دولت‌ها را به مداخله حداقلی کشاند. پس از آن با بیداری ملت‌های جهان سوم و مطالبه حقوق انسانی خویش و متعاقباً دگرگونی در نظریه‌های توسعه، ناگزیر دولت‌ها رو به سوی حکمرانی خوب آوردند. در این مقاله با استفاده از روش هرمنوتیک مولف محور به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا هاشمی رفسنجانی به عنوان شخص اول اجرایی کشور در هشت سال ریاست جمهوری و پس از آن ریاست خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام با این سیاست‌ها هماهنگ بوده و نظریه حکمرانی خوب را پذیرفته است یا خیر؟ بررسی به عمل آمده نشان می‌دهد که حکمرانی خوب از دیدگاه هاشمی رفسنجانی مبتنی و منبعث از سنت اسلامی-شیعی، بهره‌گیری از تجارب و دستاوردهای بشری در زمینه حکمرانی خوب است که بویژه از طریق تامین زیرساخت‌های اقتصادی، ثبات و آرامش سیاسی و نهادینه شدن نظام حزبی، تنش‌زدایی در سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی محقق می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، هاشمی رفسنجانی، نظام حزبی، هرمنوتیک، اقتصاد دولتی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

skmortazavia@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پس از جنگ جهانی دوم، حاکمان کشور های آسیب دیده، عزم خویش را برای بازسازی کشورهای خود جزم نمودند. مردم دنیا در تنگناهای ناشی از ویرانی های جنگ، در فقر و سختی، زندگی پس از نبرد را آغاز کردند، برای مردم، توانی در سازندگی کشور و ساماندهی زندگی اجتماعی باقی نمانده بود. لذا دولت ها تا اواخر دهه ۱۹۷۰ در کشورهای کمونیستی بطریقی، و در کشورهای سرمایه داری بطریقی دیگر، عهده دار بازار گردیدند. پس از سامان یافتن روابط اجتماعی و اقتصادی و خروج از بی سر و سامانی دوران پس از جنگ، از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، که مصادف با سال های اول انقلاب ایران بود کم کم اندیشه تعادل دخل و خرج و سود و زیان و صرفه جوئی در هزینه دولت ها در غرب، و شکست سیستم اقتصاد کمونیستی در شرق و فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ میلادی، دولتمردان و در رأس آنها تاجر و ریگان را در توافق واشینگتن، بفکر ساماندهی مجدد اقتصاد و بازار انداخت و آزادسازی، در دستور کار قرار گرفت. دولت ها شروع به خصوصی سازی و کوچک کردن ساختار و سازمان اقتصادی دولتی نمودند. در این زمان جنگ ایران و عراق پایان یافت و هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور ایران بود که در پایان دادن به این جنگ نقش کلیدی و تعیین کننده ای داشت. او نیز هماهنگ با دنیا، همین سیاست را در سرلوحه برنامه های خود قرار داد. از طرفی بخشی از دلایل رونق بازار کشورهای توسعه یافته غربی، در گرو غارت و استعمار کهنه و نو و تحمیل ملتها و استفاده از نفت و منابع و نیروی انسانی ارزان و استثمار انسانها در ممالک عقب مانده دنیا بود، تا اینکه حرکت های آزادیخواهانه و انقلابی مردم در کشورهای جهان سوم و عقب افتاده، در مقابل دیکتاتوری حکومتها و تحمیل فقر و گرسنگی بوسیله قدرتها، در بسیاری از نقاط دنیا اوج گرفت. جنگ های چریکی، جنبش های آزادی بخش انقلابی و تغییرات در حکومت های کشورها، جهان را نیز تحت تاثیر اندیشه های حقوق بشری و اخلاق و مدنیت قرار داد. برای قدرتهای بزرگ و استعماری این سوال پیش آمد که آیا توسعه اقتصادی با توسعه سیاسی رابطه ای خطی دارد؟ و متوجه شدند که دیگر استعمار کهنه و نو، کارساز نیست، رشد ملتها باعث گردید که آنها نیز دیدگاه اقتصادی و بین المللی خود را تغییر داده، متوجه شوند که چاره ای نیست جز کنار آمدن با این وضعیت جدید. بنا بر این باید طرح جدیدی را جایگزین دولت حداقلی، که

خودجانشین دولت حداکثری بود، نمود. قدرتها ناچار شدند برای کسب منافع خود، منافع سایر ملتها را نیز مد نظر قرار دهند.

اقتصاددانها و سیاستمداران جهان فهمیدند که منافعشان در توسعه منافع ملت ها نهان است. پس در فکر توسعه حکمرانی بهتر در سراسر جهان افتادند، نوعی از حکمرانی که منافع ضعیف و قوی در جهان توسعه یافته و جهان در حال توسعه را با هم و در کنار هم تامین نماید. در این میان اندیشمندان علوم انسانی، مقوله حکمرانی خوب را به عنوان یک الگوی مطلوب تعریف کردند. بررسی این مهم که آیا ایران نیز هماهنگ با جهان بسوی حکمرانی خوب گام برداشته یا خیر مسئله اصلی این مقاله است و یکی از مهمترین راههای پاسخگویی به این مسئله مستلزم آن است که عملکرد و اندیشه شخص اول اجرایی کشور را در آن دوران مورد بررسی قرار داد. لذا ما این مقاله، با روش هرمنوتیک مولف محور به بررسی نگرش و عملکرد هاشمی در رابطه با حکمرانی خوب می پردازد.

۲- پیشینه تحقیق

هاشمی در نگرش حاکمیتی خود فردی متحجر و یک بعدی نبود و برای مسائل حکومتی راه حل های علمی و جدید را دنبال می کرد. سروش محلاتی (۱۳۹۷) در کتاب "آیت درایت" می گوید "هاشمی رفسنجانی فقیهی بود که خود را از سلطه جمود و تحجر نجات داده بود و اگر فرصت می یافت با اجتهاد و ابتکار خود، می توانست راه حل های تازه ای برای مشکلات امروز ارائه دهد.

او با الهام از آموزه های اسلامی و تجارب مبارزاتی خود، فرد میانه رو با رویکرد مصلحت اندیشی بود. نوروزی (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان "واکاوی اندیشه سیاسی آیت الله هاشمی رفسنجانی" به این نتیجه میرسد که اصولی چون، اسلام واقعی و بدور از اعمال سلیقه شخصی در آن، اعتدال و میانه روی، واقع گرایی آرمانی و مصلحت اندیشی چارچوب اصلی اندیشه سیاسی هاشمی را تشکیل می دهد.

هاشمی تلاش می کرد تا در عملکرد خود الگوهایی که منطبق با حکمرانی خوب بود را مد نظر داشته باشد. محمودی نیا (۱۳۹۰) در پایان نامه ارشد خود تحت عنوان "بررسی سیاستها و عملکرد دولت در جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی حکمرانی

خوب " میزان انطباق شاخص های الگوی حکمرانی خوب با عملکرد دولت هاشمی رفسنجانی را مورد بررسی قرار می دهد و به این نتیجه می رسد که دولت هاشمی تلاش کرد تا به سوی تحقق این الگو حرکت کند، اما علیرغم این تلاشها به دلیل برخی موانع ساختاری این اقدامات با فراز و نشیب همراه بوده است.

او بیش از آنکه درگیر با مسائل سیاسی دست و پا گیر داخلی گردد توسعه را راه حل برقرار عدالت اجتماعی می دانست. زیبا کلام (۱۳۸۴) طی مقاله ای با عنوان "۸سال باهاشمی، ۸سال با خاتمی"، به این جمعبندی می رسد که هاشمی رفسنجانی به مسائل توسعه و سازندگی علاقه داشت ولی اصراری بر مباحث سیاسی و جامعه مدنی نداشت. بررسی های پیشینه موضوع حاکی از آن است که وی در نگرش خویش متحجر و یک بعدی نبوده و در مسائل تندروری و کند روی نداشته و بیشتر با روش اعتدال و میانه روی حرکت می نموده و عملاً الگوهای حکمرانی خوب را مد نظر داشته و تحقق بخشی از آنها را در گرو توسعه می دانسته است.

۳- نسبت سازندگی، توسعه و حکمرانی خوب در اندیشه هاشمی

آمارتیا سن استاد دانشگاه هاروارد و نظریه پرداز توسعه انسانی و اقتصاد رفاه، در مقاله " مفهوم توسعه " می گوید: " ارتقاء شرایط زندگی آشکارا باید یکی از اهداف کل فعالیت اقتصادی باشد و این ارتقای شرایط، جزء لاینفک مفهوم توسعه به شمار میرود... در حالیکه به ادله متعددی، بخش عمده ای از اقتصاد متعارف، از محدوده وسیع موضوعات مربوط به فقر، تنگدستی و بدبختی و رفاه و همچنین از برآوردن نیازهای اساسی و بهبود کیفی زندگی دور شده است. " (سن ۱۳۸۶: ۱۵۹) از این منظر توسعه فراتر از رشد اقتصادی است، اما شاخص های انسانی ناشی از پیشرفت اقتصادی مانند رفاه عمومی جامعه و شادکامی و نشاط و آزادی در زمره شاخص های حکمرانی خوب قرار گرفت.

توسعه به معنای عام شامل توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که در حکمرانی خوب همین معنا از توسعه مد نظر است. در اینجا در رابطه با هاشمی، مراد از توسعه، همانند نظر آمارتیا سن می باشد که معتقد است توسعه اقتصادی منجر به ارتقاء سطح زندگی افراد و خوشبختی ویژه انسانها و در نهایت ایجاد زمینه های تحقق شاخص های حکمرانی خوب می شود. " سازندگی و توسعه شعار اصلی دوران ریاست جمهوری

هاشمی بود که در بیانیه های معرفی دولت اول و دوم خود به مجلس شورای اسلامی، نقش اصلی را به این شاخص داده است " (لاهورتی ۱۳۹۱)،

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق، هاشمی بیشتر برای توسعه اقتصادی و سازندگی همت گمارده و همزمان با آن تلاش های زیادی برای تحقق آن انجام داد. اما پاره ای از شاخص های حکمرانی خوب در کشور اجرا نمی گردیده و یا به حد کافی مورد حساسیت و اهتمام قرار نداشته اند زیرا غفلت از توسعه به این بهانه ها و با توجه به شرایط پس از جنگ، توسعه ای که می توانست محرک جامعه برای مطالبه حکمرانی خوب باشد را، معطل می گذاشت.

Amartya Kumar Sen

هاشمی خود در رابطه با چگونگی نیل به توسعه سیاسی چنین می گوید: "من مایل هستم ابتدا نظرم را در خصوص مقوله توسعه سیاسی مطرح کنم ما هر تعریف و نظری پیرامون توسعه سیاسی داشته باشیم و هر طرح و برنامه ای برای توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی و سازندگی داشته باشیم، نمی توانیم برنامه هایمان را فارغ از شرایط و وضعیتی که در آن بسر می بریم و جامعه و اجتماعی که در آن زندگی می کنیم طرح ریزی می کنیم و به اجرا در می آوریم اولین مطلبی که در خصوص توسعه سیاسی می خواهم بگویم، مسئله امکانات و راه و روش رسیدن به توسعه سیاسی است. از نظر اصولی و به عنوان روش، من معتقدم که باید به تدریج با همین معیارهایی که شما از توسعه سیاسی می گوید، به آنها برسیم و فکر می کنم اگر راه درستی انتخاب کنیم، زودتر هم می رسیم، تا اینکه یک دفعه شعار بدهیم و یک عده را بترسانیم و یک عده را تحریک کنیم و یک عده را پرتوقع کنیم. نتیجه اش همین می شود که شد. یعنی کاری که بعد از دوم خرداد آقایان کردند. سوء نیت هم نداشتند. رویکرد من هم به مسئله توسعه از همان ابتدا اینگونه بود. یعنی که معتقد بودم و هستم که راه رسیدن به توسعه سیاسی از طریق جنجال، مد و تبلیغات نیست. بلکه می بایستی توسعه سیاسی به تدریج و با ایجاد

بسترهای لازم برای آن تحقق یابد در اواخر دوران (ریاست جمهوری) من، داشت اینگونه می‌شد..... من اتفاقاً معتقدم توسعه سیاسی یعنی همین." (زیباکلام، ۱۳۸۶)

هاشمی، توسعه سیاسی را به روشی که نتیجه بخش باشد مد نظر دارد. او توسعه سیاسی را در اثر پیشرفت توسعه اقتصادی نه تنها میسر میدانند، حتی آن را پیش نیاز برای توسعه سیاسی می‌شمارد. او در این زمینه می‌گوید " طرز تفکر این است که من نجات و عظمت کشور را در نجات از استبداد و استعمار می‌دانم و راهکار را منحصر به این می‌دانم که از اول از لحاظ مادی قوی شویم که شامل تحصیلات، صنعت و اقتصاد و نقد منابع و چیزهایی است که باید از برنامه‌ها بیرون بیاید. امروز هم بعد از دوم خرداد و بعد از این ادعای توسعه سیاسی و مسأیلی که آقایان مطرح می‌کنند، من راه درست را همان می‌دانم. البته جامع و نه یک بُعدی. یعنی اگر یک بُعدی حرکت کنیم، به جایی نمی‌رسیم. اگر فقط از توسعه سیاسی حرف بزنیم و از سایر جنبه‌ها غفلت کنیم، به جایی نمی‌رسیم. اگر هم بخواهیم فقط از بُعد اقتصادی بگوییم، باز به نتیجه نمی‌رسد. اگر توجه نکنیم که انسان‌های ما باید رشد کنند و از منبع انسانی غفلت کنیم، به سرعت به زمین می‌خوریم و رشد ما بادکنکی می‌شود و رشد واقعی نمی‌شود، در صورتی رشد واقعی می‌شود که همه جانبه باشد." (زیباکلام، ۱۳۸۶)

شاید بتوان گفت که بدون شاخص‌های حکمرانی خوب، می‌توان به توسعه اقتصادی دست یافت و یا اینکه برای ایجاد توسعه اقتصادی، داشتن همه شرایط حکمرانی خوب الزامی نیست. اما این نوع توسعه هم مشکلات و نواقص زیادی دارد و هم ممکن است بدلیل شکنندگی آن نتواند تداوم یابد و به حالت قبل برگردد. هاشمی هم مانند پاره‌ای از صاحب نظران این رشته، اولویت را خصوصاً پس از یک جنگ هشت ساله به توسعه اقتصادی می‌داده است به بیان دیگر توسعه اقتصادی، اولویت اول هاشمی در دوران پسا جنگ بود، تا آنجا که او را سردار سازندگی نامیدند و دولت او را دولتهای سازندگی. اگر چه هاشمی زمینه را در کشور برای اعمال برخی شاخص‌های حکمرانی خوب، مساعد نمی‌دید، ولی معتقد بود، توسعه اقتصادی را در هر شرایطی نباید متوقف کرد و نباید از توسعه ناامید شد. او معتقد است که توسعه اقتصادی باعث ایجاد عدالت اجتماعی و شادکامی می‌شود که از شاخص‌های حکمرانی خوب است. وی می‌گوید: "در برنامه تکلیف شده که قانون مالیات باید اصلاح شود. عدالت اجتماعی که سیاست اصلی ماست،

باید مایه اصلی حرکت ما باشد.....با ایجاد شرایط تعادل و افزایش تولید و اشتغال، آرمان ها. اهداف اسلامی قابل اجراست". "(لاهوری، ۱۳۹۱: ۶۶۵)

توسعه اقتصادی را هم می توان از دست آورد های حکمرانی خوب دانست، یعنی به کشوری که در توسعه موفق تر است، نمره بالاتری در حکمرانی داد و هم، آنرا یکی از عوامل تسهیل کننده ایجاد حکمرانی خوب برشمرد. هاشمی در سخنرانی معرفی وزرای کابینه اول خود به مجلس در سال ۶۸ می گوید: "با ایجاد شرایط تعادل و افزایش تولید و اشتغال، آرمان ها و اهداف اسلامی قابل اجراست." منظور از این عبارت آنست که هم توسعه می تواند قبل از تکمیل شاخصه های حکمرانی خوب که ایشان در آرمان های اسلام می بیند، انجام پذیرد و هم اینکه توسعه کمک به تحقق آن شاخص ها می نماید. بر همین سیاق یورتز و شرانک نیز به نتیجه مشابهی رسیده اند که «ارتباط تنگاتنگ بین رشد و حکمرانی خوب بر پایه شواهد تجربی بسیار شکننده ای استوار است». آنها نیز، همانند سایر محققان این موضوع را بیان کردند که "تعدادی از کشورهای در حال توسعه، بویژه در شرق و جنوب شرقی آسیا، از بسیاری از شاخص های پر استفاده بانک جهانی در زمینه حکمرانی خوب عقب مانده اند، اما همچنان عملکرد خوبی در رشد و تحول ساختاری داشته اند." (کورتز و شرانک ۲۰۰۷: ۵۵۲)

هاشمی معتقد بود که توسعه، خود به خود شاخص های حکمرانی خوب را بدنبال خواهد داشت. وی در مصاحبه با اعضای کمیسیون مطالعات اسلامی در رابطه با اولویت توسعه می گوید: "کارنامه پایان حکومت امیر المومنین (ع) این است که الان دارم می روم، مردم می توانند از فرات استفاده کنند و نان گندم بخورند، نمی گوید نماز خوان شده اند. یعنی حضرت در اول (انتصاب) به مالک آن حرفها را می زنند و در آخر هم به عنوان بیلان کار حکومت خود می گویند مردم دارند از آب فرات استفاده می کنند و نان گندم می خورند. یعنی اول و آخر یک حکومت دینی این گونه ترسیم می شود." (هاشمی، ۱۳۹۰: ۷۳)

kurtz, Marcus, and Andrew Schrank

ایشان با صراحت، اولویت توسعه اقتصادی به سایر شاخص ها را اعلام و معتقد است سایر شاخص ها در پی توسعه فراهم میگردند یا زمینه فراهم آمدن آنها مهیا می شود.

" مطالعات موردی گلداسمیت (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که شفافیت، مسئولیت پذیری و مشارکت، بیش از آنکه دلیل اصلی و مستقیم توسعه باشد، اغلب به عنوان نتیجه ای برای توسعه است. حکمرانی خوب ناظر بر عدالت و مشارکت شهروندان و حق اظهار نظر و دموکراسی و سایر شاخص هاست در حالیکه توسعه اقتصادی و رشد، ناظر بر بهبود وضعیت کلان اقتصادی کشور است. البته که رشد و توسعه اقتصادی کلان، بر درآمد های فردی هم تاثیر مستقیم دارد و به برقراری عدالت اجتماعی و دلگرمی مردم کمک میکند، لکن الزاما متضمن برقراری عدالت و دموکراسی و مشارکت و امثال این ها که از شاخص های حکمرانی هستند نمی باشند. هاشمی در معرفی کابینه خود به مجلس می گوید: " ولی رشد درآمد های فردی به برقراری عدالت و تشویق مردم به مشارکت در امور ملی کمک میکند. الان مصلحت نظام اینست که من یک کابینه کاری تشکیل دهم. بعضی از آقایان در بحث هایشان خواهند گفت این کابینه به اندازه کافی سیاسی نیست. شما هر چه میخواهید من خودم سیاسی هستم این کابینه، کابینه کاری است." (لاهورتی ۱۳۹۱: ۶۲۵ و ۶۲۷)

این بینش در افکار بسیاری از اندیشمندان نظریات حکمرانی نیز ریشه دارد. " رودریک به کشورهای چین، ویتنام و کامبوج اشاره می‌کند که همگی علی‌رغم شاخص‌های حکمرانی ضعیف، در حال رشد سریع هستند. اصلاحات گسترده در حکمرانی برای ایجاد رشد نه امری ضروری و نه کافی به شمار می‌رود. در مثال چین، ویتنام و اتیوپی نیز این موضوع نه ضروری و نه کافی است، در حالی که ادامه گسترش حکمرانی بدون در نظر گرفتن رشد، بسیار مشکل است." (کوام ساندرام؛ و جودهوری، ۲۰۱۲: ۱۴)

فوکویاما با بینش حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی و سایر موسسات مرتبط ارائه شده است، و اصلاحات جامع نهادی را پیش شرط لازم برای هر نوع توسعه می‌داند، موافق نیست. زیرا بانک جهانی، اعطای کمک برای توسعه و رشد را منوط به حکمرانی خوب می‌کند. فوکویاما می‌گوید: " طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷، کشورها و مناطقی در دنیا میزان رشد بالایی را تجربه کرده اند. در حالیکه در شاخص های بانک جهانی موقعیت قابل توجهی نداشته اند. از این رو، فوکویاما این نظر را دارد که تسریع رشد می‌تواند در رژیم- های سیاسی و نهادی گوناگونی اتفاق بیافتد و اتفاق هم افتاده است،" (ساندرام، جود هوری، ۲۰۱۲: ۱۶)

Dani Rodrik * kwame , sundaram,jomo ** chowdhury,anis

از نظرات گلداسمیت و فوکویاما می توان استنباط کرد که توسعه نسبت به حکمرانی خوب اولویت دارد و آنرا نباید معطل شاخص های حکمرانی خوب کرد و همچنین توسعه می تواند در تحقق پاره ای از شاخص های حکمرانی خوب، موثر واقع شود. هاشمی ضمن اینکه اولویت را به توسعه اقتصادی میداد اما سایر شاخص ها را نیز در برنامه ریزی بلند مدت می گنجانند و زمان تعیین میکند و آن تا پایان دو برنامه دیگر است. واضح است که ایشان در آن موقع به اینکه، پاره ای از شاخص های حکمرانی خوب در کشور ضعیف هستند، معترف و برای آنها اهمیت قائل بوده است و ضرورت اعمال آنها را در کشور میدانسته ولی معتقد بوده است که در پسا جنگ، مشغول شدن به این شاخص ها، اولاً کشور را از توسعه اقتصادی که پس از جنگ اهمیت ویژه ای پیدا کرده بود، غافل میکند. ثانياً توسعه اقتصادی خود می تواند مقدمه ای برای تحقق شاخص های حکمرانی خوب باشد. ثالثاً وی، زمینه جامعه را برای اولویت به تعدادی از شاخص ها مناسب نمی دیده، و معتقد بوده است که با ایجاد توسعه و سازندگی، زمینه برای اجرای شاخص های حکمرانی خوب فراهم می شود..

۳- هاشمی و شاخص های حکمرانی خوب: " پذیرفته ترین شاخص برای حکمرانی خوب، همان شاخص های تعریف شده بوسیله بانک جهانی است که مورد استفاده مراجع بین المللی و محققین این رشته می باشند. این شاخص ها عبارتند از: حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی مسئولان که موجب دموکراسی و آزادی (احزاب و رسانه)، کنترل فساد، مشارکت، مسئولیت پذیری، می گردد. انتخابات، نظارت و شفافیت، کار آمدی دولت و برنامه ریزی، کیفیت قانون، حاکمیت قانون و اجرای آن. (چودهوری و ساندروم ۲۰۱۲: ۱۶) اینک این شاخص ها را از دیدگاه هاشمی مورد بررسی قرار می دهیم

۱-۳- حق انتقاد و اظهار نظر مردم و پاسخگویی مسئولان:

از نظر بانک جهانی شاخص " حق اظهار نظر و پاسخگویی " برای سنجش میزان توانایی شهروندان یک کشور در مشارکت برای انتخاب دولتمردانشان، همینطور آزادی بیان، آزادی احزاب و آزادی رسانه می پردازد. (ساندروم و چودهوری ۲۰۱۲: ۱۶) هاشمی این شاخص را هم در اندیشه و نگرش خویش معتقد بوده و هم در عملکرد خود

تا آنجا که شرایط اقتضاء می‌کرده و مانع توسعه اقتصادی نمی‌گردیده ملحوظ می‌داشته است.

هاشمی در سال ۱۳۶۸ به ریاست جمهوری انتخاب شد. قبل از وی بیشترین همت مدیران رده اول کشور صرف امر اداره جنگ و زندگی روزمره مردم می‌گردید. اما ریاست جمهوری وی مصادف با پایان جنگ شد و کم‌کم فرصت برای سازندگی و توسعه اقتصادی فراهم گردید. در برنامه کلی دولت هاشمی که در سال ۱۳۶۸ تهیه و تقدیم مجلس شد. در مورد آزادی می‌گوید: "آزادی ثمره خون‌های پاک و تلاش‌های عظیم انسانهای جامعه در سراسر تاریخ است و بدون آن هر حکومت و دولتی در معرض خطر خودکامگی قرار می‌گیرد، دولت با حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، زمینه مشارکت کامل مردم و نفی خودکامگی را فراهم خواهد کرد. در این زمینه دولت حداکثر کوشش خود را به کار خواهد برد که آزادی بیان و نشر افکار در رسانه‌های گروهی و صدا و سیما و مجامع و انجمن‌ها و احزاب قانونی تامین نماید. (لاهورتی، ۱۳۹۱: ۶۴۳ و ۶۴۴)

هاشمی مشارکت مردم در انتخاب دولتمردان اینکه مردم نقش خود را در حاکمیت لمس نمایند و آنرا باور داشته باشند در ۸۰/۱۰/۹ می‌گوید: "دیگر زمان استبداد نیست و ما هم نمی‌خواهیم به آرای مردم توجه نکنیم. الان اگر بخواهیم اسلامی را که آرای مردم همراه آن نباشد، حاکم کنیم، مردم را مسلمان نکردیم به زور ممکن است در مدرسه، دانشگاه، صدا و سیما و ... اسمی داشته باشیم و در خیابانها مواظبت کنیم شراب فروشی نباشد و خرابکاری نکنند این چیزها را می‌توانیم. اما ما دنبال این گونه مسلمان شدن نیستیم ما دنبال مسلمان‌هایی هستیم که با جان و دل مسلمان باشند و رای بدهند." (هاشمی، ۱۳۸۰: ۵۲)

وی در دیدار با حزب اعتدال و توسعه در رابطه با مردم سالاری در مرام ائمه شیعه می‌گوید: "عقیده جدی ما این است که اگر مردم با ما نباشند، نمی‌توانیم (حکومت کنیم). البته آقایان بحث خاصی را شروع می‌کنند که اگر مردم هم نباشند، باز حکومت مشروع است. اما بحث ما این است. ما فرض می‌کنیم امام زمان (عج) و یا خود حضرت علی (ع) ما که از آنها حق تر نیستیم. اگر بین جامعه ای باشیم که ما را قبول نداشته باشند، نمی‌توانیم کشور را اداره کنیم. مثل حضرت علی و دوازده امام که این کار را نکردند. (هاشمی، ۱۳۸۸: ۷۱).

در ۸۸/۵/۱۹ در دیدار با جمعی از اصولگرایان در ارتباط با جایگاه مردم و مردم سالاری می گوید: " حرفی که به آقا(رهبری) زد، این بود که ما به عنوان حاکمان حکومت دینی و اسلامی از نوع معلومی هستیم که نمی توانیم با سر نیزه و حبس و زدن و سانسور کشور را اداره کنیم. بر فرض هم بتوانیم، در آن صورت هنر ما این است که توانستیم حکومت خود را حفظ کنیم. آن حکومت، حکومتی نیست که برایش انقلاب کردیم و آرزو داشتیم. فقط حکومت را حفظ کردیم که مطلوب ما نیست. اگر مایل باشیم که حکومت خود را ادامه بدهیم - که هستیم - باید کاری کنیم که با مردم باشیم و بدون سرکوب بر مردم حکومت کنیم." (هاشمی، ۱۳۸۸)

ایشان معتقد است که برای حفظ حکومت در دراز مدت باید به درخواست مردم توجه کرد و با سرکوب نمی شود حکومت را حفظ کرد. وی تاکید قطعی در گردن نهادن حکومت به رای و نظر مردم دارد و مدعی است که حضرت علی (ع) و سایر ائمه نیز هیچکدام علیرغم آنکه امام و پیشوا بوده اند تا در اکثریت مردم آنها را برای حکومت کردن دعوت نکرده، به میدان نیامده اند، بدنبال حاکمیت نبوده اند و بارزترین آن خود حضرت (ع) است که با خلفای راشدین بدلیل بیعت سران قبایل با آنها، او هم بیعت کرد باز هم هاشمی در اهمیت مردم سالاری و اولویت رای مردم در مصاحبه با روزنامه ابرار می گوید: "تاریخ حکومت حضرت علی (ع) را گفتم که پیامبر (ص) به ایشان فرموده بودند: اگر مردم تو را نخواستند، نیا" (هاشمی، ۱۳۸۹: ۵۹)

همچنین وی در رابطه با حق انتقاد و اظهار نظر مردم در مانیفست سازندگی می گوید: "اما نظر به اینکه نظام اجرایی ممکن است به علت مشغله زیاد گهگاه نتواند خطای خود را آسان که باید و شاید ببیند و یا با دقت ارزیابی کند باید انتقاد پذیری را در نظام به عنوان یک اصل مهم مورد توجه قرار دهد. آنچه در درجه اول از اهمیت است و دولت متعهد آن خواهد بود انتقاد پذیری دولت است که نظام نظارتی و سنجش عملکرد دستگاهها را سامان بخشد، توسعه دهد و تقویت نماید (سازندگی و بازسازی ۱۳۶۸: ۶۴۴)

۲-۳-۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت

ثبات سیاسی و نبود خشونت به سنجش احتمالاتی می پردازد که دولت به وسیله ابزار غیر قانونی یا خشونت آمیز، از جمله خشونت سیاسی و تروریسم می تواند بی ثبات یا

سرنگون شود. بانک جهانی می‌خواهد بداند که امکان بقای حکومتی که کمک دریافت میکند تا چه میزان است. (ساندروم و چودهوری ۲۰۱۲: ۱۶)

هاشمی برای ثبات سیاسی به مذاکره، بحث و گفتگو و منطق و اقناع مردم معتقد بود و این روش را ممکن و ثبات سیاسی جامعه را میسرتر می‌دانست. پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و تظاهرات مردم و درگیری‌های ایجاد شده و جریانات اجتماعی مربوطه هاشمی در رابطه با دموکراسی و حل مشکل انتخابات با مذاکره و منطق و رعایت حق مردم و قانون اساسی با توجه به اینکه علی‌ع‌پس از تأیید مردم ولایت را پذیرفت و لزوم اقناع مردم، در دیدار با انجمن اسلامی دانشگاه آزاد گفتند: "در این شرایط به نظر می‌رسد که بهترین کار این است که همه بپذیریم در چهار چوب قانون حرف بزنیم. این گونه نباشد که عده‌ای در زندان و عده دیگری در معرض تهدید زندان باشند. در این شرایط مشخص است که نمی‌توان قانونی عمل کرد، کسانی که احساس می‌کنند دوستان و بستگانشان ظالمانه در زندان هستند، طبعاً عکس‌العمل نشان خواهند داد. لذا باید زندانی‌ها آزاد شوند. افرادی آسیب دیده‌اند که باید طبق احکام اسلام و قانون آسیب آنها را جبران و دلجویی کنیم و فضا را فضای همدلی کنیم. راهکار بعدی این است که فضای آزادی در کشور باشد. صدا و سیما، روزنامه‌ها، کلوپ‌ها، احزاب، بحث‌ها، مناظره‌ها، تریبون‌ها و دانشگاهها در خدمت مطرح کردن منطق و مباحثه درست باشد." جادلهم بالتی هی احسن" (قرآن، نحل: ۱۲۵) یک فصل هم برای حل کردن اختلافات است با راه درست، مجادلات و مباحثان را انجام بدهیم. بالاخره رسانه‌های دیگر مردم را آگاه خواهند کرد. اگر پنج، شش ماه به همین شکل بر جامعه بگذرد، مردم راه خود را انتخاب خواهند کرد و خواهند فهمید. دعواهای خیابانی و کلاسی و دانشگاهی به مباحثه و مناظره تبدیل خواهد شد. حضرت علی‌ع فرمودند که من خدمت پیامبر بودم و گفتند: حکومت حق توست و خداوند این را به تو داده است، ولی اگر مردم نخواستند، نزاع نکن در خانه بنشین و بگذار مردم خودشان اداره کنند. ما که از حضرت علی (ع) محق‌تر نیستیم. حضرت علی (ع) منصوب خداست. ما اجازه گرفتیم و اجازه دادند که وقتی امام معصوم نباشد. کسانی با این صفات و ویژگی‌ها می‌توانند به جای امام، کشور را اداره کنند. این را هم مردم باید انتخاب کنند و در قانون اساسی آمده که مردم باید از بین فقهای فراوان یکی را انتخاب کنند. بنابراین وضع ما روشن است و قانون اساسی ما در اینجا هیچ ابهامی ندارد می‌توانیم کار خودمان را با همین قانون اساسی انجام بدهیم. " (هاشمی، ۱۳۸۸)

۲۰۶-۲۰۸) در این سخنرانی علاوه بر تاکید به آزادی، بر رای اکثریت مردم و دموکراسی ناشی از انتخابات صحیح، نظارت قابل اعتماد برای مردم و برخورد اقناعی با مردم و تسلیم در برابر اکثریت و توجه و احترام به نظر اقلیت تاکید می نماید.

۳-۳- هاشمی و شاخص کارآمدی دولت و برنامه

ریزی

کارآمدی دولت، به سنجش کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهروندی و میزان استقلال دولت از فشارهای سیاسی، کیفیت تنظیم و اجرای سیاست و میزان اعتبار دولت در متعهد بودن به چنین سیاست‌هایی می پردازد. (ساندروم و چودهوری، ۲۰۱۲)

این شاخص در تعریف بانک جهانی به کیفیت تنظیم خدمات عمومی و خدمات شهروندی و اجرای آنها و تعهد به چنین سیاست‌هایی و نیز استقلال دولت از فشارهای سیاسی می پردازد. هاشمی در زمینه تفکر برنامه‌ای و خدمات عمومی در سخنرانی معرفی کابینه اول خود در سال ۱۳۶۸ در مجلس می گوید: "در شرایط حاضر اگر به مشکلات اقتصادی بطور جامع نپردازیم ممکن است چیزی جز اتلاف منابع عاید کشور نشود. نحوه برخورد و تفکری که به بررسی مشکلات می پردازد و اهداف را باتوجه به منابع و امکانات محدود درجه بندی میکند و مسیر حرکت را بسوی اهداف مطلوب تبیین می نماید، تفکر برنامه‌ای است". (لاهورتی، ۱۳۹۱: ۶۳۶)

در ایران بعثت وقوع انقلاب ۵۷ و جنگ و تحریم اقتصادی، عدم امکان برنامه میاندوره، برنامه دولت ابتدا سالانه بود تا اینکه اولین برنامه پنج ساله در دوران هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ به مجلس تقدیم شد. هاشمی برای تدوین برنامه دولت سعی و تاکید فراوانی داشت. وی در تاریخ ۶۸/۸/۱۱ در دیدار با کارکنان سازمان مدیریت و برنامه ریزی و تاکید روی برنامه و تدوین بموقع برنامه سالانه دولت و ایجاد زمینه خدمات عمومی و شهروندی مناسب به جامعه و پیشرفت در این زمینه می گوید: ".....اگر برنامه درستی برای این جامعه عرضه کنیم می‌توانیم امیدوار بشویم که پنج سال بعد، ده سال بعد، ثمرات تفکرات امروزمان را ببینیم و این برای آدم خیلی زیباست" (هاشمی، ۱۳۶۸)

وی در دیدار با حزب موتلفه می گوید "یکی از مسائلی که خیلی مهم است، معیشت است و جوان و پیر و زن و مرد ندارد. واقعاً برنامه داشتن برای معیشت مردم و سازندگی کشور و برای اینکه جامعه فقیر و ضعیف نباشد و ما زیر دست دیگران نباشیم، خیلی مهم است. اگر ما برنامه نداشته باشیم، با شعارهایی که دیگران می دهند، باید از میدان

بیرون برویم. لذا به برنامه واقعی لازم داریم.... اگر ما به جای زیاده خواهی، برنامه‌هایی داشته باشیم، قابل تحقق است و می‌توان روی آن برنامه ریزی کرد و ایستاد" (هاشمی، ۱۳۸۰: ۵۳)

ایشان برای ایجاد کارآمدی بیشتر، رفع ناهماهنگی و تشجیع برای ریسک‌پذیری در مدیران، تدوین برنامه و اتخاذ تصمیم‌های کلان را تشویق کرده، راهکار ایجاد کارآمدی بیشتر می‌داند. در مجموع می‌بینیم که هاشمی شاخص برنامه ریزی و کارآمدی دولت را بسیار مورد توجه قرار داده و در مورد آن موکداً راهکارهایی برای دولت خویش ارائه می‌نموده است.

۳-۴- کیفیت قانون و حاکمیت و اجرای آن

کیفیت قانونگذاری به سنجش توانایی دولت در تنظیم و اجرای سیاست‌ها و قوانین مناسبی که اجازه توسعه بخش‌های خصوصی و همینطور رشد و ترقی آنها را می‌دهد، می‌پردازد و حاکمیت قانون به سنجش پایداری و اعتماد کارگزاران به تحقق و اجرای قوانین جامعه به ویژه، پلیس و دادگاهها و نیز چگونگی کیفیت اجرای قوانین و قراردادهای، همچنین احتمال جلوگیری از جرم و خشونت می‌پردازد. (ساندروم و چودهوری، ۲۰۱۲: ۱۶)

از دیدگاه بانک جهانی، حکومتی پسندیده تر است و بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و شرایط دریافت کمک‌های مالی را پیدا می‌کند که اولاً قوانینی وضع نماید که اجازه توسعه بخش‌های خصوصی رشد و ترقی آنها را می‌دهد و از طرف دیگر کارگزارانش پایبند به اجرای قوانین باشند. خصوصاً کیفیت اجرای قوانین، پلیس، دادگاه‌ها، مراجع نظارتی و عمال اعمال قانون و نیز توجه به کم کردن زمینه احتمال وقوع جرم و جنایت داشته باشد. در رابطه با میزان پایداری عوامل دولتی بر اجرای قوانین نگاهی به دیدگاه و عملکرد هاشمی می‌اندازیم.

هاشمی در دیدار با انجمن اسلامی دانشگاه آزاد در مورد جریانات بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ و دستگیری‌های ناشی از آن جریانات، اجرای قانون را فصل الخطاب مشکلات می‌داند و نحوه صحیح و عادلانه اجرای قانون را مورد تاکید قرار داده و می‌گویند: "در این شرایط به نظر می‌رسد که بهترین کار این است که همه بپذیریم در چهار چوب قانون حرف بزنیم. این گونه نباشد که عده‌ای در زندان و عده دیگری در معرض تهدید زندان

باشند. در این شرایط مشخص است که نمی توان قانونی عمل کرد، کسانی که احساس می کنند دوستان و بستگانشان ظالمانه در زندان هستند، طبعاً عکس العمل نشان خواهند داد. لذا باید زندانی ها آزاد شوند. افرادی آسیب دیده اند که باید طبق احکام اسلام و قانون آسیب آنها را جبران و دلجویی کنیم و فضا را فضای همدلی کنیم". کما اینکه وی در دهه اول انقلاب نیز در مانیفست معرفی دولت خود در سال ۱۳۶۸ به مجلس، دفاع و حمایت از اجرای صحیح قانون وسیله دولت را، حافظ حقوق مردم و امنیت قضایی آنان میداند و می نویسد: "حفظ حقوق مردم و حمایت از حقوق آنها در تمامی زمینه ها، از جمله حقوقی که تامین و رعایت و احترام و احقاق آنها با دستگاه قضایی مرتبط میشود، جزء وظایفی است که دولت به آن خواهد پرداخت و امنیت قضایی را تا حد مقدور و با دفاع و حمایت از اجرای صحیح قوانین تامین خواهد کرد" (لاهورتی، ۱۳۹۱: ۶۴۴)

با بررسی دیدگاه ها و گفته های ایشان در سال ۱۳۶۸ و سال ۱۳۸۸ می توان پی برد که اعتقادشان به اجرای قانون تابع جریانات سال ۱۳۸۸ و یا موضوعات دیگری که در حد فاصل این ۲۰ سال بر ایشان و کشور گذشته است، نیست و اصل و ریشه دیدگاهشان همان است که در ۱۳۶۸ بوده است. اگر چه دیدگاه هر انسانی بمرور زمان و با کسب تجربه بیشتر تکامل می یابد. وی از یک طرف اعمال صحیح قانون وسیله دولت و از طرف دیگر احترام والتزام به قانون وسیله دولت و ملت را از خطوط کلی برنامه های خویش میداند و می گوید: "تربیت کلیه افراد و آحاد کشور باید به گونه ای سامان یابد که احترام به قانون و ملتزم بودن به اجرای دقیق و صحیح آن به صورت عادت در آید و قانون شکنی عیب و نقصی عظیم تلقی گردد. دولت برای انجام این مهم در قلمرو وظایف خود پیش قدم خواهد بود و برای مردم نیز برنامه های آموزشی قابل اجرایی را تنظیم خواهد کرد." (لاهورتی ۱۳۹۱: ۶۳۸)

طبیعی است از نمودهای جامعه مدنی، قانونمداری است و قانون مداری محقق نمیگردد الا اینکه هم اعمال کنندگان قانون (قوات سه گانه) و هم مجریان قانون (قوات سه گانه بعلاوه مردم) آن را دقیق اجرا نمایند و خود را معتقد و ملزم به اجرای آن بدانند یعنی زمینه اجتماعی و مدنی لازم برای حاکمیت قانون فراهم باشد.

کنترل فساد، به سنجش تعبیر قدرت عمومی در مواجهه با سودجویی افراد خاص، یعنی فساد، هم در ابعاد کوچک و هم بزرگ، و همینطور «دستیابی» افراد خاص به منابع دولتی برای سود شخصی خودشان می پردازد. (چودهوری و ساندروم)

هاشمی روی این شاخص حکمرانی خوب تاکید داشته و با توجه به اهمیت توسعه و سازندگی و با رعایت مصلحت توسعه و توجه به اهمیت عدم توقف سازندگی اقداماتی به عمل آورده است. وی در رابطه با شاخص کنترل فساد که از شاخصهای معرفی شده وسیله بانک جهانی است در تاریخ ۸۷/۷/۱۴ در دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات در رابطه با موازنه توسعه و جلوگیری از فساد می گوید: "اگر فرض کنیم یک جامعه فعال باشد خلق ثروت هم بکند، موفق هم باشد، اما دزدی، فساد و اختلاس هم در اموال دولتی و غیر دولتی باشد، مطلوب ما نیست. چنین جامعه ای نمی تواند پیشرفته باشد. جامعه دارای فساد و آلودگی در دراز مدت دچار عقب افتادگی و شکست و انحلال می شود. آن طرف قضیه را هم باید مواظب باشیم تا برای کارآمدی دولت پارامترهای زیادی باید در نظر گرفته و رعایت شود" (هاشمی، ۱۳۸۷). هاشمی در این دیدار عدم هماهنگی و عدم جسارت در اتخاذ تصمیمات مبنایی اقدامات ریسک دار سیاسی را از عوامل ایجاد نا کار آمدی می داند. اسم خدمت و کار اقتصادی و فعالیتهای سازنده به تباهی و فساد کشیده نشویم.

از دیرباز توسعه اقتصادی به نحوی وابسته سیاست بوده است. تا اواخر دوران دوم از حکمرانی معصر یعنی دولت حداقلی سیاست های استعماری بر اوضاع اقتصادی ملت ها سایه افکنده بود تا آنجا که جنبش های رهایی بخش جهان استعمارگر را به اندیشه تغییر واداشت و ناچار شدند فرمولی را برای منافع برد استعمار کنندگان قبل با استعمار شوندگان طراحی نمایند که حاصل آن "حکمرانی خوب" شد. اندیشمندان علوم انسانی در کنار سازمان های بین المللی و در راس آن ها بانک جهانی شاخص هایی را برای اعمال این نوع از حکمرانی طراحی کردند. در این تحقیق با استفاده از روش هرمنوتیک مولف محور این شاخص ها را در نگرش هاشمی به سنجه گذاشتیم و دیدیم که هاشمی در قبل از انقلاب با آرمان های آزادی خواهی و دموکراسی طلبی با زیر بنای اسلامی آشنایی داشته و به مبارزه علیه حکومت وقت برخاسته و کرارا دستگیر و زندانی و شکنجه شده است. او پس از انقلاب چهار دوره را پشت سر گذاشته است. دوره اول از پیروزی انقلاب تا ۱۳۶۸ و در زمان حیات امام خمینی که یکی از موثر ترین چهره های مدیریتی کشور و نزدیک به رهبری و شاید نزدیک ترین فرد به رهبری بوده است. وی در همان موقع معتقد به دموکراسی و انتخابات بوده است.

دوره دوم پس از فوت امام خمینی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ که رییس جمهور ایران بوده و در این دوره نیز پس از رهبری، نفر دوم در کشور محسوب می شده است. در این دوره اعتقاد ایشان به حکمرانی خوب و تحزب به عنوان یکی از راهکارهای رسیدن به شاخص های حکمرانی خوب به بوته عمل در آمد و دیدیم که شرایط جامعه و میزان رشد سیاسی و اجتماعی مردم و نیز موانع دیگر چون نفوذ فراوان اشخاص و تعدد مراکز تصمیم گیری گاه بصورت موانع جدی در تحقق این شاخص ها ظاهر می شد. لیکن هاشمی با توجه به منش میانه روی و اعتدال خود سعی بر برطرف کردن موانع در حد امکان داشت که در این میان گاه نقصان هایی در اعمال آنچه در نظر داشت باقی می ماند. دوره سوم از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ که ایشان رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز از ۱۳۸۶ علاوه بر آن رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز بوده و همچنان در کنار رهبری و پشتیبان سیاستهای کلان وی و همیشه در تلاش برای توفیق حکومت و اداره موفق کشور، بوده است. دوره چهارم از سال ۱۳۸۸ و انتخابات ریاست جمهوری و اعتراضات مردمی و تا سال ۱۳۹۵ پایان عمر خود که در بسیاری از سیاست های کلان مدیریتی داخلی کشور نظراتی متفاوت با مدیریت

کشور داشت. در این دوره با توجه به شرایط جامعه و اتفاقاتی که می افتاد بیشتر معلوم گردید که اعتقاد ایشان به حکمرانی خوب و شاخص های آن و راهکارهای تحقق آن شاخص ها بسیار عمقی و عقیدتی بوده است. میزان پایبندی ایشان به شاخص های حکمرانی خوب در این دوره بیشتر در بوته آزمایش قرار گرفت و نمود پیدا کرد تا آنجا که در زمینه احزاب، دموکراسی، مردم سالاری و مشارکت مردم، حق اظهار نظر و پاسخگویی مسئولان، چگونگی اجرای قوانین، اظهاراتی شفاف و روشن بیان کرده است. شاخص های حکمرانی خوب را یک به یک در گفته ها و سخنرانی های هاشمی مورد ارزیابی قرار دادیم و دیدیم که با توجه به شرایط انقلاب، تعصب های عامیانه، فشارهای سیاسی، رقابت های آخوندی و گرایش های رانتی و مالی عناصر گوناگون، اما حرکت ایشان، گفتار ها و تحلیل هایشان با شاخص های حکمرانی خوب همسو بوده است. البته هریک از عارضه های فوق کاستی هایی را در بعضی مواقع و شاید در پاره ای از شاخص ها ایجاد نموده که خود جای تحلیل و بررسی جداگانه ای را در عملکرد جمهوری اسلامی می طلبد.

هاشمی در هر برهه از تاریخ پس از انقلاب متناسب با کشش جامعه تمهیدات لازم را در این زمینه به عمل آورده است که البته از سال ۱۳۸۸ به بعد که کشور دچار نقیصه های بزرگتری در این زمینه ها گردید، موضع ایشان ملموس تر بود. کما اینکه در رابطه با عدم تطابق وضع فعلی کشور با حکمرانی خوب در دیدار شورای مرکزی خانه احزاب می گوید: در حال حاضر نگاه من به وضع فعلی و آینده است که باید چکاری انجام دهیم تا اولاً وضع فعلی قابل تحمل باشد و ثانیاً آینده را چگونه اداره کنیم که اسلام را دوباره از مظلومیت بیرون بیاوریم و یا حجاب اسلام نشویم. "اسلام محجوب بالمسلمین" ما حجاب اسلام هستیم. ما الان با عمل خود داریم از نورانیت قرآن و احکام اسلامی، چیز دیگری به دنیا نشان می دهیم. حقیقتاً الان جزء سخت ترین روزهای زندگی من هست. (هاشمی، ۱۳۸۸: ۸۸) مشخص گردید که "حکمرانی خوب از دیدگاه هاشمی رفسنجانی مبتنی و منبعث از سنت اسلامی-شیعی، خصوصاً سیره سیاسی پیامبر اسلام و ائمه و بهره گیری از تجارب و دستاوردهای بشری در زمینه حکومتداری است که بویژه از طریق نهادینه شدن نظام حزبی، محقق می شود.

- زیبا کلام، صادق و اتفاق فر، فرشته السادات، هاشمی بدون
روتوش نشر روزنه، تهران، نسخه الکترونیکی، ۱۳۸۶
- سروش محلاتی، محمد، آیت درایت، تهران، نشر میراث اهل قلم، ۱۳۹۷
- لاهوئی، علی، بازسازی و سازندگی (خاطرات هاشمی در سال ۱۳۶۸)، تهران، نشر
معارف، چاپ: اول ۱۳۹۱: ۳۶ و ۳۵
- لاهوئی، علی، بازسازی و سازندگی (خاطرات هاشمی در سال ۱۳۶۸)، تهران، نشر
معارف، چاپ: اول ۱۳۹۱: ۶۲۷-۶۲۵
- لاهوئی، علی، بازسازی و سازندگی (خاطرات هاشمی در سال ۱۳۶۸)، تهران، نشر
معارف، چاپ: اول ۱۳۹۱: ۶۴۳-۶۴۴
- لاهوئی، علی، بازسازی و سازندگی (خاطرات هاشمی در سال ۱۳۶۸)، تهران، نشر
معارف، چاپ: اول ۱۳۹۱: ۶۶۵-
- لاهوئی، علی، بازسازی و سازندگی (خاطرات هاشمی در سال ۱۳۶۸)، تهران، نشر
معارف، چاپ: اول ۱۳۹۱: ۶۳۸-۶۳۶

ب: مقالات فارسی

- زیبا کلام، صادق، هشت سال با هاشمی هشت سال با خاتمی، گزارش، شماره ۱۶۲،
۱۳۸۴،
- سن، آمارتیا، مفهوم توسعه، ترجمه سرکیسیان و گودرزی، راهبردیاس، ش ۱۲، ۱۳۸۶:
- ۱۵۹
- محمودی نیا، امین (۱۳۹۰)، بررسی سیاست ها و عملکرد دولت در جمهوری اسلامی
ایران براساس الگوی حکمرانی خوب، پایان نامه ارشد، دانشگاه امام خمینی، قزوین.

نوروزی، خدیجه و نوروزی، سوسن، رشیدی، احمد، رهبری، مهدی، واکاوی اندیشه
سیاسی آیت‌الله هاشمی

رفسنجانی، پایان نامه ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۲

قران سوره رعد آیه ۱۱

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه
زمستان، تهران، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۳

هاشمی، اکبر، فرمت تفصیلی سخنرانیهای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام،
تهران، تابستان ۱۳۸۲

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه
پاییز، تهران، ۱۳۸۲

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه
بهار، تهران، پاییز ۱۳۸۷

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه
بهار، تهران، ۱۳۸۸

(هاشمی، اکبر فهرست تفصیلی سخنرانیهای سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام،
تهران، ۱۳۸۸" ۲۰۶-۲۰۸

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه
پاییز، تهران، ۱۳۸۸: ۲۰۶ تا ۲۰۸

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه پاییز، تهران، ۱۳۸۹: ۵۹

هاشمی، اکبر، فهرست تفصیلی سخنرانی های مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه ماهه بهار، ۱۳۹۰: ۷۳

منابع خارجی

Fukuyama, Francis (2008). What Do We Know about the Relationship between the Political and Economic Dimensions of Development? In World Bank, Governance, Growth, and Development Decision-Making: Reflections by Douglass North, Daron Acemoglu, Francis Fukuyama, Dani Rodrik. Washington, DC: World Bank

Goldsmith, Arthur (2005). How Good Must Governance Be? Paper presented at the conference on 'The Quality of Government: What It Is, How to Get It, Why It Matters', Quality of Government Institute, Göteborg University, Sweden, 17–19 November

kurtz, Marcus, and Andrew Schrank (2007a). Growth and Governance: Models, Measures, and Mechanisms. The Journal of Politics, 69 (2): 538–54.

Sundaram Jomo Kwame, And Chowdhury, Anis, Is Good Governance Good For Development? Published in association with the United Nations, 2012: 14

Sundaram Jomo Kwame, And Chowdhury, Anis, Is Good Governance Good For Development? Published in association with the United Nations, 2012: 16